

روان تکنیک

یا

پسیکو تکنیک

هوشنگ میرمطهری

(۱)

مقدمه

د ر میان مسائل گوناگون دنیای فعلی ، قبل از هرچیز دو مسأله توجه ما را بخود جلب می نماید .

- ۱ - توسعه دائمی صنعت و افزایش نیاز با افراد منحصصی که در رشته های آن کارآموده باشند و بتوانند در نظام مکنیکی معاصر جاهای خالی را پر کنند .
- ۲ - گستگی از حقائق هنری و معنویات و سنن گذشته .

نیاز روزافزون بحوائج صنعتی بانهایت شدت سعی است تکنیک غرب را بسوی خود فراخواند ، در کشور هزارویکشب پی درپی (پلی تکنیک) و (انستیتو تکنولوژی) تأسیس میشود ، و (تکنیسین ها)ی گوناگون میپرورانند ، وبسیاری از ترکیبات کلمه تکنیک از قبیل رادیو تکنیک و (الکترو تکنیک) بکوشها میخورد ، و در تابلوهای مغازه ها بمناسبت و بی مناسبت لفظ تکنیک را بکار میبرند ، ولی تکنیک از جمیع جهات بکشور ما وارد نشده و بجمیع جهات از نظر جدید احاطه پیدا نشده است .

گذشته از این ها ، جای یکرشته از الفاظ مربوط بلفظ تکنیک از نظر لفظ و مفهوم خالی است و آن لفظ ها عبارتند از پسیکو تکنیک و تکنو پسیکولوژی و ترکیبات دیگری از تکنیک از قبیل تکنوسیولوژی و سوسیولوژی تکنیک که ضروری است بمحاذات جنبه های جسمانی تکنیک وارد زبان ماشود و با آن ها و طرز تعلیم آنها و طرز بکار بردن آنها در اداره و راهنمایی اجتماع استفاده کنیم ؛ و ازین جهت لازم است این علم نیز مثل سایر شعب دیگر تکنیک مورد استفاده قرار گیرد .

ما درین مقاله سعی میکنیم . يك جنبه از جنبه های روانی تکنیک را بزبان خود واردکنیم . و امیدواریم ، در میان رشته های گوناگون علوم انسانی که وارد سرزمین عزیز ما شده است این رشته کمک برجسته ای ب موجودیت صنعتی کشور ما بنماید و در ضمن این عدم توجه و کم اعتنائی عمیقی که احیاناً ممکن است بدنبال رشد تکنیک نسبت بحقائق هنری و مختصات معنوی و سنن ملی ، بوجود آید بشکلی علاج شود .

(۲)

بحث لغوی در باره تکنیک

(پسیکو تکنیک) از دو قسمت یکی (پسیکوس) بمعنی (روان) و یکی (تکنیک) که اجمالاً میتوان آنرا هم معنی (فن) دانست تشکیل شده است .
از نظر اصطلاحی «پسیکو تکنیک» عبارتست از بکار بردن روش های روانشناسی عمومی در مطالعه مسائل اقتصادی ، و جامعه شناسی و مسائل دیگر . (فرهنگ اختلالات روانی) (۱)
و بتعریف دیگر . این لغت هم معنی (پسیکو تکنولوژی) دانسته شده و آنرا مجموعه اصولی میدانند ، که در هنر تطبیق روانشناسی برای مقاصد عملی میکوشد ، منتها برای این دولفت و لغت تکنوپسیکولوژی فرقی قائل شده اند .

باین معنی که از پسیکو تکنیک مستقلاً چنین معنی کرده اند :

در پسیکو تکنیک این کوشش صرفاً در قالب مسائل عملی انجام میشود ، و اطلاق آن بمنظور های کلی کمتر است ، و صورت کلی تر آن (تکنوپسیکولوژی) است (دیکسیونر روانشناسی هوار دوارن) (۲)

ولفت (پسیکو تکنیک) با (تکنوپسیکولوژی) این رابطه را دارد که در تکنوپسیکولوژی از بکار بردن روان شناسی در صنعت و مشاغل بطور کلی بحث میشود ، و (پسیکو تکنیک) صرفاً این کوشش یعنی تطبیق اصول و متدهای روانشناسی را صرفاً در حیطه اقتدار هنر و صنعت انجام می دهد .

باین ترتیب اگر بین دو تعریف مقایسه بعمل آوریم . سعی بینیم ، در لغت تعریف پسیکو تکنیک یا (روان تکنیک) را این طور نموده است :

«علمی که از بکار بردن روش های روانشناسی در مطالعه مسائل اقتصادی و جامعه شناسی و مسائل دیگر بحث میکند»

و در فرهنگ شماره (۲) . میگوید حیطه توجه و اطلاق (پسیکو تکنیک) محدودتر از حیطه اطلاق تکنوپسیکولوژی است و این رشته از دانش بشر ، بیشتر بمهارت و طرز کار در هنر بیشتر مربوط است تا معنای وسیع اصول کلی .

اما قید (مهارت و طرز کار در هنر) میزان بیشتری به مسائل اقتصادی و جامعه شناسی و مسائل دیگر دقت دارد .

ازین جا معلوم میشود ، که در هر صورت «پسیکو تکنیک» یا ترجمه خیلی سطحی ما

روان تکنیک ، با مسائل اقتصادی و جامعه‌شناسی و مسائل دیگر در هر صورت بی‌ارتباط نیست و از این جهت ضروری است بحث دقیق‌تری درباره انسان که مبداء هر علم و صنعت و هنری است بشود ، تا موضوع روشنتر گردد و تحول او را در طول تاریخ پر پیچ و خم تکامل او مورد بحث قرار دهیم .

ق بل از اینکه وارد بحث درباره خصائص ذاتی انسان و تحول هنری او در طول تاریخ بشویم قدری سعی میکنیم لغت (پسیکو تکنیک) یا (روان و تکنیک) را در زبان فارسی اهلیت دهیم .

چنانکه گفته شد (پسیکو تکنیک) از دو جزء پسیکو و تکنیک ترکیب یافته . درباره پسیکو که همان روان است بحثی نیست بحث فعلی ما راجع بکلمه (تکنیک) است . کلمه (تکنیک) بصورت اسم از نظر تجزیه دستوری از کلمه لاتین بمعنی تقریبی (فن) یا (فند) است . دستورات عملی

و بطوریکه در دیکسیونر فلسفی لالاند . مینویسد کلمه «تکنیک» در اصطلاح علمی و فلسفی جدید بدوشکل بکار رفته یکی بصورت اسم و یکی بصورت صفت . ومعانی وسیع داراست از مفاهیم کاملاً دقیق علمی و صنعتی در مورد صنعت بمعنی اخص گرفته تا معانی عالی روحی و معنوی و در کلمه تکنولوژی مخصوصاً باین معانی اخیر بکار رفته است .

چنانکه «گیلو» در کتاب تقسیم‌بندی علوم درس ۲۵۵ درباره (خیر) میگوید :
« اگر خیر را سعادت بنامیم بساید گفت اخلاق عبارتست از (فن) یا تکنولوژی سعادت یا خوشبختی .

مادر مقاصد عالی (پسیکو تکنیک) یا روان تکنیک و تکنولوژی و ربط آن با سعادت خواهیم گفت که :

- ۱ - خطری مثل مواهب طبیعی و یا الهی که همزاد انسان است . چون چشم و گوش و دست و پا و قدرتهای شنوایی و غیره .
- ۲ - میانی کسبی که ابزار آن علم و صنعت و هنر و اخلاق پاک است که از ردائلی بری باشد و همین جاست که کسب سعادت با تکنیک ارتباط پیدا میکنند ، و مسلماً میانی سعادت کسبی را که علم و هنر و تکامل صنعت است . باید در سرزمین میانی سعادت فطری کشت ، و برای این کار تا سرزمین اخلاق واقعی و معنویت بخوبی آماده نشود ، انتظار رویش و بارور شدن میانی درخت سعادت کسبی که يك امر بعدی است انتظاری است بی‌مورد و کود کانه .

از همین جاست که تکنیک بمعنای وسیع آن با جمیع ظواهر مدنیت يك قوم ربط و اتصال پیدا میکنند و صرفاً توجه بظواهر مکانیکی تکنیک بدون رعایت ربط آن با موازین عقلی و روحی و مشخصات ملی انتظار عظمت يك قوم یا بشریت را بطور کلی کشیدن انتظاری است بی‌مورد ، و طرح عظمت و تکاملی که ریشه اخلاقی و معنوی ملت را نخواهد هم آهنگ تحولات صنعتی و آبادانی رشد دهد طرح يك طرفه ایست که چه بسا زیان آور باشد و از این جهت ضروری است با عمق نظر بیشتری به تحولات صرفاً صنعتی نگریست .

از این بیان نباید چنین نتیجه گرفت ، که باید در قالب‌های فکر قدیم که هم آهنگ با تحولات صنعتی قدیم است ماند و گامی فراتر نگذارد . بلکه باید فن تطبیق ارزش‌ها

ارزش از نظر فلسفی و اخلاقی بمعنی اصول پابرجا و قابل دلبستگی است چنانکه وقتی اگر انسان در قیاس با پاکدامنی از مقام صرف نظر کند و یا در مقابل استقلال رأی پول را نادیده بگیرد ، درین مورد پاکدامنی و استقلال دارای ارزش هستند و این ارزش غیر از ارزش اقتصادی پول است و خود یک نوع ارزش معنوی است) و اصول معنوی قومی و ملی و بشری را با شرایط نوین آموخت و با نهادم اهمیت زیست در شرایط نوین حیات اقتصادی و صنعتی داد و نادیده گرفتن و بی اعتنائی بآن موازین خطر بزرگی که نابودی و فراموشی ارکان قومیت است، در بر خواهد داشت ، و در نتیجه موجب فروکش نمودن سرچشمه معنویت بشر در یک نوع طرز تفکر مکانیکی و خیلی حدت کند درنده خوئی حیوانی میگردد .

این چند سطر که بصورت معترضه بیان شد آن حقیقت اعلامی است که در غایات و نهایات علوم روانی جستجو میشود و باید دارای قدرت ایفای نقش قدیمی خود باشد چه این اصول در این نقش کوشا بودند که بجنبه عملی بشر روح صفا و روحانیت بخشند و فعالیت های لغتی را هم آهنگ نیازمندی های زندگی عادی بشر پیش برند. و در نتیجه هم آهنگی روحی و جسمی را حفظ نمایند .

بحث ما درباره کلمه تکنیک بود . بنا بر آنچه گذشت ، کلمه تکنیک ، از یک جهت لغتی است که بر جمیع صناعات نظری از قبیل اخلاق و منطق و ریاضیات و هنر و ادبیات بطور تام اطلاق دارد و ازین رو ضرورت بیشتری هست تا در کلمه تکنیک که در زبان ما وارد شده است و ارزش علمی خاصی در زبانهای اروپائی نیز دارد مطالعه بشود ، تا در موقع بکار بردن آن با پیدا کردن معادل مطمئنی باروشن بینی بیشتری بآن نگاه کنیم .

این واژه تقریباً در همه زبانهای اروپائی بهمان صورت تکنیک تلفظ میشود . و در یونانی (تخن) و معادل هنر است ، و این معانی را میدهد .

۱ - مجموعه روش های معینی که از نسلی بنسل دیگر قابل انتقال اند ، و نتایج خاصی دارند ، چنانکه (وبر) روان شناس مشهور آدامه سنن و رسوم ملی را تکنیک دانسته و این همان است که ما آنرا از نظر انفرادی مبانی سعادت فطری خواندیم ، او هم جنبه اجتماعی این مبانی فطری را (تکنیک اولیه) خوانده است .

و از همین جاست که قانون دو حالت را (تکامل عقلی در پی تکامل صنعتی) برای تکامل بشر کشف نموده است .

انتقاد و نتیجه گیری

تکامل ملیت و روان تکنیک :

بنظر ما همین جاست که علیرغم بعضی مکاتیب فلسفی و سیاسی که ظاهراً ملیت را منافی

رشد و توسعه مدنیت میدانند ، بخوبی ثابت میشود ، که ارکان تکنیک مدرن اگر برپایه‌ی يك روحیه قوی ملی که بر مبنای اخلاقی اجتماعی و انفرادی صحیح و فطرت اولیه قرار دارد بی‌ریزی شود خود تنها راه علمی تکامل بشر است . و از طرفی ترس امثال روس که میگویند فطرت اولیه را ماشینسم فاسد میکند - بی‌مورد بودنش اثبات میشود . چه اگر بارهبری صحیح و جامع الاطراف و عاقلانه مواظبت کنیم که خصلت‌های اصل انسانی که جزء مواهب فطری بشر است در بن‌بست‌ها و مرداب‌های ماشینسم فاسد نشود ، و توسعه صنعت هم‌آن‌هنگ رشد عقلی و ایمانی صحیح توسعه یابد ، خود بشر ماشینسم را برای رفاه خود استخدام خواهد نمود نه اینکه ماشینسم موجودیت معنوی ما را در لابلای چرخ‌های پرسروصدای خود خورد کند . بحث مبسوط این قسمت را بی‌حسب تکامل روح‌ملیت در طول تاریخ و ربط آن باروان تکنیک مورد توجه قرار میدهم .

ر چند سطر قبل معانی تکنیک را بصورت صنعت نقل نمودیم . اینک بیان معانی دیگر آن

- ۲ - بمعنی روش‌هایی است صنعتی که بر مبنای يك علم خاص قرار دارد .
- ۳ - بمعنی روش خاص هنر است مثل فن نواختن ویولون و فن معماری .
- ۴ - طرز عمل يك موجود است در زیست‌شناسی یا روانشناسی . این مفهوم جدید و تازه بوجود آمده است .

در دیکسیونر (لایانند) در مورد لغت تکنیک که بصورت صنعت آمده است . اصل یونانی کلمه را گرفته ، و بآن علامت نسبت زبانهای مختلف را افزوده است .

درین معنی این لغت (منسوب بروشهای هنری و علمی و صنعتی) معنی میدهد .
اینکه کسی بتواند ماهرانه و بهتر شغل خود را انجام دهد از طرف (کروازت) در کتاب (پرورش دمکراسی) باواژه (پرورش تکنیکی) خوانده شده است ص ۳۹ ازین کتاب درین معنی در اصطلاح فلسفه و ادب علمی و هنری اروپائی معانی گوناگونی وجود دارد . چنانکه مشاهده میشود ، درین جا تکنیک از دو قسمت تشکیل شده است :

یکی تکن . یا تخن (بیونانی) و دیگری ایک ، علامت نسبت .

قبل از اینکه بمفاهیم متعدد آن توجه کنیم ، خوبست به بینیم ، خود کلمه (تکن) از کجاست و اصلاً چه معنی میدهد . از خواننده محترم باید معذرت بخواهیم از اینکه درباره يك لغت ، این قدر بحث میشود ، ولی باید دانست ، بیشتر اختلافات ، اشخاص و گفتگوها و حتی کندی ادراک و عدم تفاهم بواسطه عدم توجه بتفاوت معانی يك کلمه است ، و چون عصر فعلی عصر تکنیک و یا اگر دقت بیشتری شود ، عصر (روان تکنیک) است و در آینده نیز بحث بیشتری بواسطه ارتباط آن با انواع معارف بشری خواهد شد از بحث دقیق و مبسوط درباره آن نباید ملالت خاطر پیدا کرد .

در دیکسیونر فلسفی (داگبرت) کلمه (تکن) را باینشکل معنی کرده است ، لغتی است یونانی و بصورت (تکن) و معنای آن در دوران ما مجموعه اصول یا روش های عقلی است ، که در تولید چیزی بکار رود ، و یا متصدی را دنبال کند و شناسائی این روش ها هنر است ، و درین جا اظهار نظر کرده است ، (تکن) شبیه است با (شناخت علم) یا (بحث العلم) از آنجهت که بشناسائی اصول عمل میپردازد و تفاوت آن با آن یعنی (اپی سستم) از این است که مقصد (تکن) عمل است نه صرف ادراک و مقصد (اپی سستم) بحث از حقیقت شناخت صرف ادراک است . اما معانی اصطلاحی بر حسب نقل لا اند . معانی اصطلاحی لغت تکنیک بصورت صنعت نخست - در برابر شناسائی نظری است ، درین جا بیان کورنو را در کتاب (مطالعه در روی مبانی شناسائی ما بحث میکند) که بموجب گفته او اهمیت و بسط علوم تکنیکی یا عملی بمختصات و حالات ملل متمدن ربط دارد ، و با اصول مبانی عقلی و تفکرات فلسفی ربطی ندارد .

انتقاد ما

ممکن است چنین باشد که پیشرفت های تکنیکی با اصول عقلی و معتقدات و مبانی تفکرات ملل ربط نداشته باشد ولی مسلماً یک تکنیک پیشرفته ، قطع نظر از مبادی اصیل عقلی راهنمای خوبی برای زندگی بشر نخواهد بود . (مبانی سعادت و ربط آن با روان تکنیک در همین بحث مراجعه شود)

و باز کورنو - ورشته (تکنیک یا عملی را) دسته سوم از طبقه بندی علوم خویش قرار میدهد

دوم - در مقابل هنر

سوم بمعنی علمی در ترکیب اصطلاح تکنیکی (ترم تکنیک) اصطلاح علمی در برابر

لغت عامیانه

بحث و انتقاد و مبسوط تر در کورنو

بر خلاف کورنو. کانت امر (تکنیک) و (تئوریک) را بهم نزدیک میسازد. توضیح آنکه میدانیم کانت دو مرتبه از عقل قائل بود ، عقل نظری و عقل عملی و اما منظورش از عقل نظری آن قوه ایست که بوسیله آن میتوان در امور طبیعت نظر کرد ، و تا اندازه بآن اعتماد داشت ، اما آیا با واقع و نفس الامر این ادراک ما تطبیق میکند یا نه ، در حدود ادراک این قوه نیست ، ولی در هر صورت راهنمای حسن است . و بدون آن از حس کاری ساخته نیست .

و منظورش از قوه عملی آن جنبه از عقل است که اراده انسانرا بر عمل نیک از نظر وجدانی نه از نظر تکنیکی ، برمی انگیزد - (درمبحث تاثیر ، وجدان در عمل و تحول مفهوم آن در طول تاریخ روانشناسی بحث خواهد شد) و از عمل بد باز میدارد .

و در نتیجه تکنیک و تئوریک در همان عقل نظری بهم ربط پیدا میکند ، چه از جنبه های مختلف عقل نظری است ، و باین مناسبت قضایای ریاضی را (عملی) نمیداند ، و آنرا تکنیک و فنی میخواند و گوید در علوم توجیه اراده یعنی علومی که بوجدان و ربط آن با عمل سروکار دارند مانند اخلاق ، این قضایا صرفاً باین اکتفا میکنند که فلان عمل چه نتیجه ای را دارد و در نتیجه جنبه تئوری و عقلی دارند ، مانند جمیع قضایائی که یک رابطه علیت را بیان میکنند .

(از رساله عقل عملی کانت بحث ۳ بنقل از لاند).

صاحب کتاب نفانس الفنون فی عرایس العیون از محمد بن محمود آملی برای کلیه علوم جنبه فنی قائل است، حتی معرفت ذات حق تعالی وصفات او و احوال ممکنات را فن میدانند آملی علم را بتقسیم اولی بحکمی و غیر حکمی تقسیم میکند و منظورش از حکمی علوم است که بگفته او (با جمیع از منهنه و امام یکسان بود) آنرا حکمت خوانند و الا غیر حکمت. این کتاب در حدود سنه ۷۰۴ هجری نوشته شده.

این بیان یعنی (علومی که با جمیع از منهنه و امام یکسان بود) مشکل دیگر در بیان وایت هداست که میگوید: (زمان حال زمین مقدسی است که هم گذشته در آن است هم آینده و بعداً بان اشاره میشود) و حکمت عملی را بعلم تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن تقسیم کرده و این تقسیم بندی با تقسیم بندی ارسطو مطابقت و مادر تحت رابطه (پسیکو تکنیک) با علوم مختلف انسانی در تقسیم بندی علم از آن مبسوطاً بحث خواهیم کرد.

اما قول بر نزدیکی امر تکنیک و (تئوریک) یعنی نظری و فنی نه نظری و عملی چه امروز امر عملی را با فنی اشتباه میکنیم و معمولاً مرادف هم قرار میدهیم. از قدیمترین زمان تا کنون در میان متفکرین عمیق طرفداران جدی داشته است.

مثال پل لانژون دانشمند فیلسوف و استاد بزرگ فیزیک فرانسوی از هم قطاران انیشتن تولد ۱۸۷۴ (وفات ۱۹۴۶) میگوید:

با این معنی تاکید میکنیم که مفاهیم جدید علم را بواسطه نتایج اخلاقی آن بیشتر به نیازمندی های بشری نزدیک بسازد. (از کتاب فکر و عمل که در سال ۱۹۵۰ در پاریس طبع شده است.)

و بین فکر و عمل بمعنی (کار صنعتی و علمی نه بمعنی عمل اخلاقی) رابطه نزدیکی قائل بوده است بنحویکه فعل را مویده و ایجاد کننده فکری نظر و فکر را راهنمای دائمی فعل میدانسته است و بنوعی برای فن بی نظر و نظری فن ارزش قائل نبوده است و مساله نظری و عملی برای او دو جنبه یک واقعیت است.

واز او گذشته وایت همد (الفردنورت وایت همد ۱۸۶۱-۱۹۴۷) استاد هاروارد. مولف کتب تربیتی و فلسفه علوم) در کتاب مقاصد تربیت گذشته از اینکه فکر بدینی درباره تربیت ابراز میکند، که باید مبسوطاً در بحث تربیت اساسی و پسیکو تکنیک مشروحاً بان اشاره کرد میگوید:

تسریع تولید بدون کارگرانی که تجدید قوا کرده باشند خط مشی اقتصادی شومی است و در جای دیگر هم عقیده با کانت شده میگوید:

هیچ تعلیم و تربیت فنی ای کافی نیست که آزاد منشانه نباشد و هیچ تعلیم و تربیت آزاد منشانه نیست که فنی نباشد یعنی هیچ تعلیم و تربیتی نیست که هم فن و هم مرامی عقلی بشاگردان ندهد. ساده تر بگوئیم تعلیم و تربیت باید شاگردان را چنان پروراند که چیزهایی را بدانند و چیزهایی را خوب بتوانند انجام دهند این اتحاد نزدیک عمل و علم هر دو بهم کمک میکند

و در پایان این بحث دو نکته اساسی را ذکر میکند.

در هنگامه نژادها که نتیجه آن ، بالمآل در کارگاهها تعیین خواهد شد نه در نبرد گاهها پیروزی از آن نژادی خواهد بود ، که بر خزائن کارمایه عقلی تربیت یافته احاطه دارند و بالاخره باندیشه درویشان مسلک بنه دیکت ، باز میگردد که با بهم پیوستن دانش و کارمایه اخلاقی تمدن روبرو زوال دنیای باستان را برای بشریت نجات دادند .

و انتظار نجات تمدن فعلی را با آمیختن کمال مطلوب عالی بشریت در تشکیلات فنی دارد. چنانکه مشاهده میشود برگزیدگان فکری بشر همواره سعی در تلفیق و ترکیب میانی انسان دوستی و کمالات معنوی بشر را ضمن یک تربیت فنی یا تکنیکی داشته اند . فقط از بیان کورنوی میتوان این استفاده را کرده بدیهی است راهی وجود دارد که مختصات روحی و فنی یا تکنیکی ملتی را میتوان پرورش داد ، وهم آهنگ خصلتهای عالی اخلاقی اوراسوق بکمال جسمانی و مادی هر دو داد .

توضیح تکمیلی

از نظریکی از محققین تکنیک یافن دارای سه مرحله است

۱ - روش عمومی کار با متد

۲ - طرز کار یا نحوه عمل (بمعنی عمل فنی)

۳ - ابزار

و در فنون یا تکنیکهای روانی شخصیت فرد آزمایش کننده ضروری است . و در دیکسیونر فلسفی لالاند از طرف یکی از نویسندگان آن دیکسیونر توضیح داده شده است که سه نوع تکنیک وجود دارد:

۱ - تکنیک بمعنی اخص یعنی صنعت

۲ - تکنیکهای انسانی مثل اخلاق و اقتصاد و سیاست

۳ - تکنیکهای بشری که از آن جمله است ادبیات

وی گوید از مختصات هر نوع تکنیکی اجتماعی بودن و مترقی بودن آن است بنابراین لفظ تکنیک بصورت اسم شامل هر گونه فعالیتی است که بمنظور پدید آوردن اثری اعم از علمی و یا ادبی و یا کالائی باشد که نیازی جسمانی و یا معنوی را برآورده سازد و بطور کلی برای تامین سعادت بشری.

و ترکیب تکنیک اخلاقی و هنری و تکنیک هنری و صنعتی شرط رشد تمدن است و تمدن بی هنر و بدون آمیخته گی بمبانی اخلاقی و صرفاً صنعتی و یا صرفاً ادبی و بدون آمیختگی بهتر و صنعت تمدن ناقصی است.